

به نام خدای مهربان

داستان‌های
واشانه
ملل

داستان‌ها و افسانه‌های

ملل



مجموعه‌ی
۱۰۰ افسانه و
قصه از مردم
فلیپین، ژاپن، ایتالیا
ترکیه، پاکستان
مغولستان، مانزی



کتاب‌های فاصدک
واحد کودک و نوجوان
موسسه‌ی نشر و تحقیقات نکر





فهرست

داستان‌ها و افسانه‌های مردم فرانسه

۸. دربارهی فرانسه.....
۱۰. نوازنده‌ی فلوت.....
۱۵. شاهزاده‌ی خوشبخت.....
۲۲. شیطونک پشمالو.....
۲۷. ماجرای خیاط شجاع.....
۳۳. سنگ دریایی.....
۳۶. پسرک ماه‌نشین.....
۳۹. اورکچولو و سگ آبی.....
۴۲. کُل‌لی‌لی، حلزون کوچولو.....
۴۵. شاهزاده و باد شمال.....
۴۸. مادر غازها.....
۵۲. آسیابان دروغگو و پادشاه طمعکار.....
۵۸. قوهای وحشی.....
۶۴. پینه‌دوز و کوتوله‌ها.....
۶۷. نوازندگان شهر برم.....
۷۱. درختی که آواز می‌خواند.....
۷۴. رپونس.....
۷۸. هرچه پدر بزرگ بگوید.....
۸۱. پسرک نان ادویه‌ای.....

جمعی از نویسندگان

مترجمان: ترجمه‌ی صدیقه ابراهیمی، فاطمه شاه‌حسینی، محمدرضا شمس،
زهره گرامی، مهرداد مهدویان، حسین فتاحی، فرهاد حسن‌زاده، فریبا جعفرزاده
طرح روی جلد: کیانوش غریب‌پور
مدیر هنری: حسین نیلچیان
صفحه‌آرایی: کارگاه گرافیک قاصدک (سید مهدی مظلوم)
زیر نظر شورای بررسی
لیتوگرافی: گلپا • کد: ۹۶/۷۱۶
چاپ اول: ۱۳۹۶ • تیراژ: ۱۵۰۰ جلد
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۸۱۵-۷
کلیه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای
موسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر محفوظ است.

عنوان و نام پدیدآور: داستان‌ها و افسانه‌های ملل: مجموعه‌ی ۱۱۰ داستان و افسانه از مردم

فرانسه، ایتالیا، ژاپن، ترکیه، پاکستان، مغولستان، مالزی /

جمعی از نویسندگان؛ ترجمه‌ی صدیقه ابراهیمی... [و دیگران].

مشخصات نشر: تهران: ذکر، کتاب‌های قاصدک. / مشخصات ظاهری: ۴۶۴ص.

فروست: قصه‌ها و افسانه‌های مردم دنیا.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۸۱۵-۷ / وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: ترجمه‌ی صدیقه ابراهیمی، فاطمه شاه‌حسینی، محمدرضا شمس،

زهره گرامی، مهرداد مهدویان، حسین فتاحی، فرهاد حسن‌زاده.

موضوع: افسانه‌ها و قصه‌ها - Legends

شناسه افزوده: ابراهیمی، صدیقه، ۱۳۳۰-، مترجم

رده‌بندی کنگره: GRV۹/د۲ ۱۳۹۵

رده‌بندی دیویی: ۳۹۸/۲ [ج]

شماره کتابشناسی ملی: ۴۳۳۳۰۳۱

داستان‌ها و افسانه‌های مردم ایتالیا

دباره‌ی ایتالیا.....	۸۵
الاغ سحرآمیز.....	۸۷
دوازده گاو نر.....	۹۳
تَرَق و تَرُوق.....	۹۷
پادشاه طاووس‌ها.....	۱۰۰
شاهزاده خرچنگ.....	۱۰۷
پول هر کاری را می‌تواند انجام دهد.....	۱۱۱
مار.....	۱۱۴
سه قصر.....	۱۲۰
سرزمینی که هرگز کسی در آن نمی‌میرد.....	۱۲۵
یک چشم.....	۱۲۸
نرو و برتا.....	۱۳۱
شبی در بهشت.....	۱۳۳
دون ژوزپه و خواهرش.....	۱۳۶
جوجه کوچولو.....	۱۴۱
پسرخوانده.....	۱۴۵
زن نافرمان.....	۱۵۰
شاهزاده خانم گل سرخ و نمک.....	۱۵۵

داستان‌ها و افسانه‌های مردم ژاپن

درباره‌ی ژاپن.....	۱۶۲
سه آدم نادان.....	۱۶۳
راننده‌ی تاکسی گمراه.....	۱۶۵
حوله‌ی سحرآمیز.....	۱۶۶
پیرزن بدجنس.....	۱۶۹

آینه‌ی عجیب.....	۱۷۱
خانم نیکوکار.....	۱۷۳
تقویم ژاپنی.....	۱۷۵
دختری که هرگز نمرد!.....	۱۷۷
قاضی خردمند.....	۱۷۹
برادر حيله گر.....	۱۸۱
کشیش و بینی او.....	۱۸۴
آینه‌ی سحرآمیز.....	۱۸۶
دختر یخی.....	۱۸۹

داستان‌ها و افسانه‌های مردم ترکیه

درباره‌ی ترکیه.....	۱۹۳
آفریننده‌ی دانا.....	۱۹۴
ملائصرالدین و بازرگان.....	۱۹۵
الاغ سواری ملا و پسرش.....	۱۹۹
مأمور مالیات تیمور.....	۲۰۰
استفاده از کلمات مناسب.....	۲۰۲
خری که عوض شد!.....	۲۰۴
خرمن پربار.....	۲۰۵
الهام.....	۲۰۸
مرگک دیگک.....	۲۰۹
جوان‌ترین شاهزاده.....	۲۱۱
گل بهار.....	۲۱۵
سه دوست.....	۲۲۰
آینه‌ی جادویی.....	۲۲۴
دختر لیمو.....	۲۳۰
خاله لیلا.....	۲۴۳
ارهان و عایشه.....	۲۴۸

داستان‌ها و افسانه‌های مردم پاکستان

۲۵۵	درباره‌ی پاکستان
۲۵۶	عمر و مارویی
۲۶۱	شاه دیاج و بی جال
۲۶۸	لیلا و جان‌نثار
۲۷۴	نوری و جام تاماجی
۲۷۶	ساسویی و پونهان
۲۸۱	دودو و جان‌نثار
۲۸۷	راج بالا
۲۹۱	شاهزاده بازرگان رودخانه‌ی پوران
۲۹۷	سونداری و بیرسینگ
۳۰۲	گاموساجار و دختر وزیر
۳۰۷	ملک و حسان آرا
۳۱۵	امانت مقدس
۳۱۹	جان‌دو و جاکور

داستان‌ها و افسانه‌های مردم مغولستان

۳۲۵	درباره‌ی مغولستان
۳۲۶	قصه‌گوی ناینا
۳۲۸	شاهزاده و خدمتکار
۳۳۰	راهب مهربان
۳۳۵	نه این جا و نه آن جا
۳۳۸	سرنوشت مرد ترسو
۳۴۲	خرگوش باهوش
۳۴۵	گونان باتار
۳۵۴	جانشین نادان

۳۵۷	کیسه‌ی دردسر آفرین
۳۶۰	انسان برای خودش به دنیا نیامده است
۳۶۹	چاه و قورباغه‌ی یک چشم
۳۷۱	دو دوست
۳۷۶	سه همسر
۳۸۰	خورشید هفتم
۳۸۲	مهارت‌های مفید
۳۸۵	همیشه حق با زور نیست
۳۸۶	آیا حاکم سر داشت؟
۳۸۹	بدر چین زیرک
۳۹۲	قوچ دانا
۳۹۴	دندان جادویی

داستان‌ها و افسانه‌های مردم مالزی

۳۹۸	درباره‌ی مالزی
۳۹۹	غارهای بتو
۴۰۹	چرا پلنگ‌ها دم درازی دارند
۴۱۶	سلطان بر سر دوراهی
۴۲۱	فینچی به نام پیت
۴۲۴	شاهزاده خانم کوه افیر
۴۲۷	حلزونی به نام سی پیوت
۴۳۰	جنگجویی به نام هانگ تیواه
۴۴۱	بتو بیورانگ
۴۴۶	برنج سیاه
۴۵۱	کیوسینگ گربه و هاریمان ببر
۴۵۷	دریاچه‌ی چینی
۴۵۹	پیولو تیومان
۴۶۱	سری پاهانگ

درباره‌ی فرانسه

ادبیات افسانه‌های جن و پری آن‌قدر وسعت دارند که تا کنون هیچ‌کس اقدام به جمع‌آوری همه‌ی این افسانه‌ها ننموده است. شادی رضایت‌بخش‌ترین و قابل‌وصول‌ترین مجموعه به زبان انگلیسی مجموعه‌ای است که Andrew Lang ویرایش نموده و در دوازده جلد آبی، قهوه‌ای و لاک‌سبز، خاکستری، ارغوانی روشن، زیتونی، پرتغالی، صورتی، سرخ، بنفش و زرد انتشار داده است.

از جمله کسانی که در دنیا اقدام به جمع‌آوری این افسانه‌های عامیانه و مردمی کردند، برادران گریم بودند. این دو مؤلف قصه‌ها را آن‌گونه که شنیده بودند با حفظ همه‌ی جزئیات در سال ۱۸۱۲ منتشر کردند. چاپ دوم قصه‌ها هم در سال ۱۸۱۹ انجام می‌دهند که فقط حاوی قصه‌هایی است که ریشه‌ی آلمانی دارند و در آن هنگام هنوز در آلمان شهرت داشتند. بسیاری از قصه‌هایی که برادران گریم جمع‌آوری نموده‌اند از منابع فرانسوی و از داستان‌های قرن چهاردهم و حکایت‌های کوچک قرن شانزدهم و ادبیات احساسی گرفته شده است. این قصه‌ها به خاطر سادگی و معمولی بودن، محتوایی آشنا و خودمانی دارند و حوادث و قصه‌ها آن‌قدر ساده‌اند که بسیاری از آن‌ها ممکن است هر روز در زندگی خود با آن‌ها روبرو شویم و جهانی که در این قصه‌ها ترسیم می‌شود پر از افرادی است که در عالم واقعیت هم دیده می‌شوند. در این قصه‌ها همواره روشنایی بر تاریکی پیروز می‌شود و افراد بدجنس و شرور به دست افراد خوب



به کیفر اعمال بد خودشان می‌رسند.

مجموعه‌ی حاضر هم تعداد اندکی از افسانه‌های مردمی را در برمی‌گیرد که از نویسندگان چون برادران گریم، هانس کریستیان آندرسون (نویسنده‌ی دانمارکی)، اسکات وایلد و... تهیه و تنظیم شده است که اگر ما (پدران و مادران) این گونه افسانه‌ها را برای کودکان خود بگوییم و بخوانیم بهترین دلگرمی را به آنان خواهیم داد. یعنی این فکرشان را که قادرند بر غولان پیروز شوند را تأیید خواهیم کرد.



سال‌ها پیش در شهر کوچک هاملین اتفاق وحشتناکی افتاد. یک روز موشی بزرگ و سیاه با چشم‌هایی قرمز وارد شهر شد. در مدت کمی، تعداد خانواده‌ی او آن قدر زیاد شد که هزاران هزار موش که در کوچه‌ها، میدان‌ها و حتی خانه‌های شهر پخش شده بودند، خانواده او بودند. موش‌ها از هیچ چیز نمی‌ترسیدند، با سگ‌ها می‌جنگیدند و گربه‌ها را گاز می‌گرفتند. هیچ یک از مردم شهر جرئت نزدیک شدن و دست زدن به آن‌ها را نداشت. تنها کاری که از دستشان برمی‌آمد زدن موش‌ها با بیل و جارو بود.

یک روز مردمی که در میدان شهر جمع شده بودند، به شهردار گفتند: «ما از دست موش‌ها خسته شده‌ایم و دیگر نمی‌توانیم آن‌ها را تحمل کنیم. موش‌ها همه چیز ما را از بین برده‌اند. باید فکری کرد.»

شهردار پس از این که از مردم خواست تا آرامش خود را حفظ کنند، گفت: «دوستان، من احساس شما را درک می‌کنم. همه ما در شرایط بدی قرار گرفته‌ایم. اما به شما اطمینان می‌دهم که وقتی موش‌ها چیزی برای خوردن پیدا نکنند، حتماً از این

شهر می‌روند!»

مردم فریاد زدند: «اگر نرفتند، چه کار کنیم؟ ما که نمی‌توانیم دست روی دست بگذاریم و منتظر رفتن موش‌ها بمانیم. باید آن‌ها را از بین برد.» شهردار گفت: «من قول می‌دهم تا راه‌حلی پیدا کنم.» سپس کیفی از جیبش در آورد و گفت: «دوستان، این کیف پر از طلا، جایزه‌ی کسی است که بتواند مردم شهر را از دست موش‌های سیاه نجات دهد!»

مردم ساکت شدند. کیف پر از طلا گنج بزرگی بود. ناگهان صدایی از میان جمعیت گفت: «من می‌توانم موش‌ها را از این شهر خارج کنم!» همه به طرف صدا برگشتند. صاحب صدا، جوان غریبه و لاغر اندامی بود که قدی بلند داشت. سیل‌هایش شبیه دم موش بود که از دو طرف دهانش آویزان شده بود. لباس قرمز رنگی به تن داشت و پرنازک و بلندی از پشت کلاهش آویزان بود. صدای دیگری از میان جمعیت گفت: «ای مرد غریبه، آیا تو می‌توانی ما را از دست این موش‌های سیاه و مزاحم نجات دهی؟»

مرد غریبه با صدایی بلند گفت: «بله! من می‌توانم کاری می‌کنم که موش‌ها برای همیشه از این شهر بیرون بروند!»

همه‌همه‌ای میان مردم در گرفت. شهردار پرسید: «تو چه کسی هستی؟ اسمت چیست؟»

مرد غریبه جواب داد: «اسم من نوازنده فلوت است.»

شهردار با خوشحالی گفت: «بسیار خوب، پس منتظر چه هستی؟ کارت را شروع کن.» نوازنده‌ی فلوت لبخندی زد و گفت: «من کارم را به موقع شروع می‌کنم. فقط یک شرط دارم!»

شهردار پرسید: «چه شرطی؟» نوازنده فلوت جواب داد: «برای هر موشی که از این شهر بیرون ببرم، یک سکه طلا می‌خواهم!»

مردم با شنیدن حرف‌های مرد غریبه، هر یک چیزی گفتند. شهردار از مردم خواهش کرد تا کمی آرام باشند. سپس به نوازنده‌ی فلوت گفت: «ای مرد غریبه، در